

حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت در حقوق ایران و فرانسه

پوریا رضی*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱/۲۲

ابراهیم عبدی پور فرد**

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۵/۱۹

چکیده

حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت مسئله‌ای بسیار پراهمیت در هر نظامی حقوقی است به نحوی که حدود حمایت می‌تواند آثار جدی بر ثبات نظام معاملاتی و سرعت انجام آن داشته باشد. بررسی قوانین ایران نشان می‌دهد که رویکرد منسجمی نسبت به حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت اتخاذ نشده است. از سوی دیگر مطالعه تطبیقی این موضوع نشان می‌دهد که نمی‌توان به دنبال حکمی کلی در مورد حمایت از این اشخاص بود بلکه در هر شاخه حقوقی بسته به اصول حاکم بر آن حوزه، حمایت مورد نظر متفاوت خواهد بود. بر این اساس حمایت حقوقی که در قالب نظام ثبت املاک از دارندگان با حسن نیت سند رسمی انجام می‌شود با توجه به اصول حاکم بر این حوزه، متفاوت از حقوق مدنی است. بر همین نسخ، اصول حاکم بر حقوق تجارت و یا مالکیت فکری اقتضای حمایت متفاوتی را از انتقال گیرنده با حسن نیت می‌کند. این حقیقت ما را وادار می‌دارد که در رجوع به حقوق مدنی به عنوان حقوق مادر محتاط باشیم و در یافتن حکم از انتقال گیرنده با حسن نیت به اهداف و رسالت‌های خاص هر حوزه حقوق خصوصی رجوع کنیم.

واژگان کلیدی: حسن نیت، ظاهر، اعتماد عمومی، تصرف مالکانه.

* دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک (نویسنده مسئول).

pooria.razi@gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه حقوق خصوصی و دانشیار دانشگاه دولتی قم.

drabdipour@yahoo.com

مقدمه: تبیین مفهوم حسن نیت

حسن نیت اساساً مفهومی اخلاقی و وجدانی است که همواره در آموزه‌های دینی بر آن تأکید شده است^۱ و در حقوق موضوعه بسیار به آن استناد می‌شود. علی‌رغم اینکه، اصل مذکور از گذشته‌های دور در تنظیم روابط شخصی و اجتماعی انسان‌ها نقش برجسته‌ای داشته (حاجی‌پور، ۱۳۸۸ ص ۱۱)، تنها مظهر حسن و قبح بوده و ضمانت اجرای خاصی نداشته است. این اصل برای تعدیل قواعد خشک حقوقی به کار می‌رود. قانون مدنی فرانسه به صراحت رعایت حسن نیت را در اجرای قرارداد ضروری دانسته است (بند ۳ ماده ۱۱۳۴ ق.م.ف). اگرچه امروزه کاربرد این اصل به مرحله انعقاد قرارداد و همین‌طور تفسیر آن نیز گسترش یافته است (ابراهیمی، ۱۳۸۸، ص ۶۲).

حقوقدانان فرانسوی برای حسن نیت دو نقش اصلی در نظر گرفته‌اند. نخست، تصور اشتباه و قابل بخشش که مورد حمایت قرار گیرد. در ثانی درستکاری و صداقت در اعمال حقوقی (Marguerite, 1984, p.3). مفهوم نخست که بیشتر در حقوق فرانسه مورد توجه قرار گرفته، موجب حمایت قانون‌گذار از شخص ناآگاه می‌شود (کاویانی، ۱۳۷۷، ص ۱۵). حقوقدانان این کشور در تعریف حسن نیت گفته‌اند: «حسن نیت به عنوان یک کلمه اسم مرکب بوده و بیانگر رفتار با دقت و با دیانت است که با معیار اخلاقی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد» و نیز افزوده‌اند: حسن نیت در معنای عام، رفتاری است که بیانگر اعتقاد یا اراده منطبق کردن خود با حق است و به ذینفع اجازه عدول از حاکمیت قانون را می‌دهد (Caen, 1346, p.76). در این معنا شخص اشتبهاً تصور می‌کرده که اقدام او مطابق قانون است که به این تصور، آثار حقوقی بار می‌گردد تا از ذینفع در مقابل ضرری که به او در اجرای دقیق مقررات وارد شده است، حمایت کنیم؛ از قبیل ماده ۲۰۱ قانون مدنی فرانسه که در مورد ازدواج به شبهه مقرر می‌دارد: «ازدواجی که باطل اعلام گردیده، چنانچه از روی حسن نیت منعقد شده باشد، دارای آثار حقوقی فی‌مابین طرفین خواهد بود. اگر حسن نیت فقط از جانب یکی از زوجین وجود داشته باشد، ازدواج صرفاً نسبت به او آثاری به همراه خواهد داشت» (Ray, 1926, p.46). در مورد اخیر افراد به علت موانعی امکان ازدواج را نداشته‌اند، اما جهل آن‌ها به این موانع موجب شده که نه تنها مجازاتی تعیین نگردد، بلکه آثار بطلان عمل حقوقی دامن‌گیر آن‌ها نشود.

این مفهوم حسن نیت جنبه ذهنی و روانی دارد و از نظر آگاهی و جهل اشخاص بررسی می‌شود. حسن نیت، ناآگاهی نسبت به یک موضوع یا شرایطی است که مانع از دادن اثر کامل وضع حقوقی می‌شود یا اعتقاد نادرست به وجود وضع حقوقی معتبر است. در این مفهوم، حسن نیت باعث می‌شود درباره شخصی که با حسن نیت عملی را انجام داده، حکم تعدیل شده

اجرا گردد، نه حکم قانونی که در حالت عادی قابل اجراست و به این وسیله خشکی و شدت حکم قانون تعدیل می‌شود؛ مانند وطی به شبهه و تصرف با حسن نیت که به دلیل ناآگاهی شخص به وضع واقعی، خشکی قواعد حقوق کاسته می‌شود (Le Tourneau, 1955, p.1). در این نوشتار در پی بررسی وضعیت حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت هستیم. این شخص بدون آگاهی از اینکه مال مستحق حق غیر یا به طور کلی معامله به عدم رعایت شرایط قانونی باطل بوده، با مطالبه مالک و یا خطر بطلان معامله روبرو شده است. در این بابت فرقی نمی‌کند که او مال مادی را معامله کرده است یا اجازه بهره‌برداری از حق اختراع. در همه این موارد او از بطلان معامله ناآگاه است. مطالعه قوانین موجود همراه با مطالعه تطبیقی این موضوع نشان می‌دهد که درجه حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت در حوزه‌های مختلف حقوق خصوصی متفاوت است. هر حوزه متناسب با اهداف و رسالت‌های خاص خود به گونه‌ای متفاوت حسن نیت را به کار گرفته است. عنایت به این حقیقت می‌تواند فهم و جایگاه حسن نیت را برای ما روشن‌تر سازد. فارق از اینکه بررسی خود مسئله حمایت از فرد دارای حسن نیت تأثیری روشن بر روی سرعت و امنیت نظام معاملاتی دارد.

۱. حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت در حقوق مدنی

حقوق مدنی نسبت به تأثیر حسن نیت در وضعیت فردی که مالی را به طور غیرقانونی در تصرف دارد به دو نحو می‌تواند وارد عمل شود. اول از منظر حقوق مسئولیت مدنی دست به تعدیل قواعد خود نسبت به انتقال گیرنده با حسن نیت بزند و دوم به تصرف این فرد احترام بگذارد و حسن نیت را یکی از اسباب مالکیت بداند.

۱-۱. تعدیل ضمان متصرف با حسن نیت در برابر مالک

در حقوق فرانسه حسن نیت متصرف در ضمانت وی نسبت به رد عین تأثیری ندارد و در این خصوص تنها تأثیر حسن نیت زمانی است که مال در اثر قوه قاهره و بدون تقصیر تلف شود. اما در حالت طبیعی، حسن متصرف خللی در ضمانت وی نسبت به رد بدل مال پدید نمی‌آورد. بنابراین حسن نیت در این حوزه خشکی حکم قانون ناظر بر ضمانت بر تحویل عین و بدل آن را تعدیل کرده و او را در جایی که در تلف مال تقصیری نکرده باشد، ضامن نمی‌داند. اما در جایی که تصرف او همراه با سوءنیت است، ضامن تلف مال است حتی اگر در اثر قوه قاهره مال تلف شده باشد (Terré, 2002, p.83). آن گونه که در ماده ۱۳۷۹ قانون مدنی فرانسه آمده است: «اگر شیء به نحو غیرمشروع تحصیل شده منقول یا غیرمنقول حکمی باشد، کسی که آن را تحصیل کرده

باید عین آن را، در صورت وجود برگرداند در غیر این صورت، ارزش آن را. اگر به موجب تقصیر او تلف شده باشد، ضامن است. اما اگر با سوءنیت آن را دریافت کرده باشد، ضامن خواهد بود حتی اگر قوه قاهره موجب تلف آن شود.^۲ اما در ضمان منافع بر عکس است. قانون‌گذار فرانسه او را ضمان منافع نمی‌داند. چنانچه در ماده ۵۴۹ قانون مدنی فرانسه به صراحت آمده است: «متصرف تنها زمانی که با حسن نیت است مالک منافع است. اما در وضعیت مخالف، او متعهد به برگرداندن منافع خواهد بود».^۳ اما زمانی که متصرف دارای سوءنیت باید تمام منافع خواه آنچه را که استفاده کرده و خواه تقویت کرده (Marguerite, 1984, p.6).

حقوق ایران حسن نیت یا سوءنیت متصرف تأثیری در ضمان نسبت به رد عین و یا منافع ندارد تنها در ماده ۳۲۶ قانون مدنی این‌گونه آمده است که: «اگر عوضی که مشتری عالم بر غصب در صورت تلف مبیع به بائع داده است زیاده بر مقدار ثمن باشد به مقدار زیاده نمی‌تواند رجوع به بائع کند، ولی نسبت به مقدار ثمن حق رجوع دارد» و همچنین ماده ۳۲۵ قانون مدنی در فرض جهل مشتری می‌آورد: «اگر مشتری جاهل به غصب بوده و مالک به او رجوع نموده باشد، او نیز می‌تواند نسبت به ثمن و خسارات به بائع رجوع کند، اگرچه مبیع نزد خود مشتری تلف شده باشد». از منظر قانون مدنی علم مشتری به مغضوب بودن مبیع او را از حق دریافت خسارات محروم می‌کند. با این وجود نمی‌توان تفاوت علم و جهل در این مواد و همین‌طور در فقه را نمونه‌ای از سوءنیت و حسن نیت دانست. در بیان فقها علم بیانگر این است که فرد به ضرر خود عمل کرده و محروم شدن از حق جبران خسارت و در این فرض فقهی رجوع به مثل ثمن، ریشه در رضایت خود فرد دارد، نه حکم خارجی قانون بر مجازات فرد با سوء نیت. همان‌گونه که در نصوص فقهی دیده می‌شود، دلیل محرومیت مشتری از مثل ثمن، قاعده تسلیط بلاعوض است، یا در صورت کلی قاعده اقدام است. در این دو قاعده دلیل محرومیت نه واکنشی نسبت به سوءنیت و دفع ردیلت معامله به مال غیر، بلکه مستند به رضایت خود فرد است. بنابراین عمل فردی که با علم معامله می‌کند، در دیدگاه فقها ناپسند تلقی نمی‌شود که به آن واکنشی درخور نشان داده شود. بلکه این علم از آن سبب مورد توجه قرار می‌گیرد که گویای رضایت فرد را بر تجاوز به مالش است. به همین دلیل نمی‌توان عقیده عده‌ای را پذیرفت که علم و جهل مذکور در فقه و قانون مدنی را، برابر با حسن نیت و سوءنیت دانسته‌اند (امیری قائم مقامی، ۱۳۷۸، ص ۵۳). علم نشانه رضایت فرد بر استفاده دیگری از مال دارد، اما علم مذکور در سوءنیت بیانگر آگاهی بر یک عمل غیرقانونی نیست. به بیان دیگر علم مذکور در قانون مدنی و قاعده غرور وجه غیرقانونی بودن ضرر را می‌گیرد و در دسته‌ی اسباب معاف‌کننده مسئولیت قرار می‌گیرد (کاتوزیان، ۱۳۸۰، ص ۱۲۹). اما شرط علم در

سوء نیت نشانه آگاهی فرد بر عمل غیرنامشروعی است که در حال ارتکاب آن است. تفاوت بین حقوق ایران و فرانسه در بحث حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت مشهود است. حقوق فرانسه از ناآگاهی انتقال گیرنده تا حدودی حمایت کرده است اگرچه این حمایت در تعادل با حق مالک پدید آمده است. اما حقوق ایران سعی در برقراری این تعادل نداشته است، و حمایت از حقوق مالک به قیمت نادیده گرفتن حسن نیت انتقال گیرنده برقرار کرده است.

۲-۱. حمایت از طریق حفظ مالکیت

بیع در حقوق فرانسه عقدی رضایی است که به مجرد توافق طرفین، مالکیت مبیع به خریدار منتقل می‌شود. ماده ۱۵۸۳ ق.م.ف: به محض اینکه در مورد مبیع و ثمن توافق شود، عقد بین طرفین کامل است و مالکیت به خریدار منتقل می‌شود هر چند که هنوز مبیع و ثمن تسلیم نشده باشد. از همین رو نویسندگان عقیده بر این دارند که بیع مال غیر، ناقل مالکیت نیست و واجد اثر اصلی بیع نیست (Colin, 1954, n521) و همین‌طور در ماده ۱۵۹۹ این‌گونه آمده است: بیع مال غیر باطل است، وقتی که خریدار، جاهل به تعلق مبیع به غیر بوده، می‌تواند خسارات خود را مطالبه کند. البته رویه قضایی فرانسه رأی به نسبی بودن بطلان داده است و صرفاً خریدار را مجاز به استناد به بطلان بیع دانسته است.^۴ حقوق فرانسه استثنای مهمی در خصوص اموال منقول بر ماده ۱۵۵۹ قانون مدنی وارد کرده است. این قاعده در ماده ۲۲۷۹ و ماده ۲۲۷۶ جدید قانون مدنی آورده شده است. به موجب آن: «در خصوص اموال منقول، تصرف در حکم مالکیت است». بنابراین از دو منتقل الیه متوالی یک مال منقول، مالکیت کسی که اول نسبت به مال تصرف پیدا کرده معتبر است. به علاوه اینکه این ماده متضمن نفی حق مالک اصلی برای استرداد مال از شخص متصرف است.

حقوق ایران به مالکیتی که فرد با متصرف حسن نیت داراست اعتبار حقوقی داده نشده است. ماده ۲۱۹ ق.م.عقود را فقط نسبت به متعاملین لازم‌الاتباع می‌داند و طبق ماده ۲۳۱ ق.م. اثر معاملات تنها نسبت به طرفین متعاملین موثر است، مگر به موجب ماده ۱۹۶ تعهدی به نفع شخص ثالث شده باشد. بنابراین اگر دارنده واقعی حق ملزم به شناسایی معامله‌ای گردد که اراده او در آن نقشی نداشته است ماده ۲۴۷ ق.م. نادیده گرفته خواهد شد. بر اساس این متن قانونی معامله به مال غیر جز به عنوان ولایت، وصایت و یا وکالت جایز نیست. زیرا مالک ظاهری مالی به شخص ثالث منتقل می‌کند که متعلق به دیگری است. به همین جهت، چنین معامله‌ای اصولاً باطل است و معامله باطل هیچ‌گونه آثار حقوقی دربر ندارد. این حکم در مواد

دیگر قانون مدنی تکرار شده است، مانند ماده ۳۹۱ ق.م.

در واقع قانون‌گذار با تبعیت از فقه امامیه، ارزش زیادی برای حق مالکیت قائل شده است. حسن نیت و سوء نیت متصرف، تأثیری در مقابل مالک ندارد (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶). این موضع قانون‌گذار مورد انتقاد حقوقدانان بوده، زیرا همه قراردادهایی که با ظاهر صحیح و حسن نیت طرف معامله منعقد شده‌اند باطل اعلام می‌شوند، حتی اگر همه ثمن پرداخت شده باشد. خریدار اگر بخواهد حقیقتاً مطمئن شود که مالک مال اکتیفاً شده است لازم است راجع به تمام نقل انتقالات انجام شده نسبت به آن مال تحقیق کند و یقین حاصل کند که در گذشته که تمام زنجیره معاملات به طور صحیح واقع شده‌اند و فروشند نیز باید به همین شیوه مالکیت خود را به اثبات رسانند.

این تردیدها، فعالیت‌های اقتصادی و داد و ستد را تا حدود زیادی نامطمئن می‌کند. آن‌گونه که دیدیم نظام‌های حقوقی کشورهای پیشرفته مانند فرانسه، تصرف ظاهری را معتبر دانسته‌اند حقوق مدنی ایران هم با توجه به لزوم استحکام معاملات، اعتبار صورت ظاهر را می‌تواند حداقل در اموال منقول مورد پذیرش قرار دهد. در این راستا مبانی فقهی هم می‌تواند در تقویت این موضع یاری‌رسان باشد. مشخصاً آماره ید بر اساس اعتبار صورت ظاهر وضع شده است، در دلیل آن آمده است که: «لو لم یجز هذا، لم یتم للمسلمین سوق» اگر این امر جایز نباشد، برای مسلمانان بازاری بر پا نمی‌ماند! به عقیده دسته‌ای از حقوقدانان: «هدف متعالی این روایت با حمایت از کسی که به مفاد آن عمل می‌کند تحقق می‌یابد. سفارش به عمل به ظاهر تصرف، متضمن حمایت از عمل‌کننده به این توصیه است، در غیر این صورت، آن هدف متعالی محقق نمی‌شود و هرج و مرج بازار مسلمانان را فرا می‌گیرد. اگر شخصی را به عمل مطابق امری سفارش کنیم، ولی بعد از عمل آن شخص را نه تنها حمایت نکنیم، بلکه مسئولیت شدیدی بر او تحمیل سازیم، نوعی نقض غرض پیش می‌آید. بنابراین از مفاد خبر یادشده می‌توان لزوم حمایت از متصرف دارای حسن نیت را، حتی پس از احراز واقع استتباط کرد» (کاتوزیان، ۱۳۹۲، ص ۱۷۶).

۲. حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت در حقوق تجارت

حقوق تجارت از آن سبب که بر اصل سرعت و اعتماد متکی است، به حسن نیت اثر قابل توجهی می‌دهد. در اسناد تجاری دارنده با حسن نیت از مسئولیت تضامنی همه امضاکنندگان سند بهره‌مند است. با این حال با توجه به طرح این مقاله حمایت از انتقال گیرنده با حسن نیت را به بحث معاملات افراد با شرکت‌های تجاری و ریسک‌های ناشی از ایرادات سازمانی شرکت متمرکز

می‌کنیم و خواهیم دید که حقوق تجارت چگونه اقدام به دفاع از اشخاص با حسن نیتی می‌پردازد که با شرکت‌های تجاری وارد معامله‌ای شده‌اند که به علت ایرادات سازمانی باطل می‌شود. این ایرادات مربوط به عدم رعایت کلیه ضوابطی است که ناشی از قواعد آمره حقوق شرکت‌ها و قواعد قراردادی آن در اساسنامه است. از لحاظ حقوق مدنی ضمانت اجرای نقض این قواعد، بطلان معاملات انجام شده است. اما این بطلان به دلیل تمایز بنیادین حقوق تجارت و حقوق مدنی از حیث ایجاد و انتقال حق در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست. این مسئله تحت قاعده استنادناپذیری ایرادات سازمانی شرکت در برابر اشخاص ثالث با حسن نیت مطرح می‌شود. حمایت از این اشخاص در شرکت‌های تجاری علی‌الخصوص شرکت‌های سرمایه به علت محدودیت مسئولیت شرکا ضروری است (Bachner, 2002, p.21). شرکت به عنوان یک سازمان سه اثر اصلی دارد. ارکان اداره شرکت که متشکل از مجامع عمومی، هیئت مدیره، مدیرعامل و بازرسان شرکت است. ضرورت رعایت ضوابط سازمانی شرکت و حاکمیت اراده اکثریت بر اقلیت. اخلال در هر یک از این آثار می‌تواند موجبات بطلان تصمیمات و اقدامات را فراهم بیاورد. در طراحی ضمانت اجرای عدم رعایت تشریفات و قواعد مربوط در نظام‌های حقوقی باید از یک سو امنیت و اعتماد تجاری مورد لحاظ قرار گیرد و از سوی دیگر منافع سهامداران نیز مورد توجه باشد. برای مثال در حقوق انگلیس در قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۹ قرارداد خارج از اختیار مدیران و یا موضوع شرکت باطل بود اما در اطلاعیه سال ۲۰۰۶ هر اقدام صورت گرفته از جانب شرکت در برابر ایرادات مربوط به اساسنامه و ضوابط ساختاری صحیح شمرده می‌شود. در قانون تجارت مصوب سال ۱۳۱۱ در ماده ۸۲ موارد بطلان شرکت را برشمرده است که مفهوم مخالف آن دلالت بر این دارد که در سایر موارد شرکت باطل نمی‌شود. اما در لایحه اصلاحی مصوب سال ۱۳۴۷ به تاسی از قانون ۱۹۶۶ فرانسه، از رویکرد حصری خارج شده است و در ماده ۲۷۰ که مقرر می‌دارد: «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد رعایت نشود، برحسب مورد بنا به درخواست هر ذی‌نفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلان خواهد شد، لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهم شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند». عدم رعایت کلیه ضوابط قانونی در تشکیل شرکت به عنوان موجبات بطلان شرکت معرفی کرده است. راهکار ابطال شرکت در شرکت‌های با مسئولیت محدود نیز به موجب ماده ۱۰۰ قانون تجارت ۱۳۱۱ و با وجوت ملاک و با عنایت به مواد ۱۱۸ و ۱۲۲ قانون تجارت در شرکت‌های تضامنی نیز قابل اجراست (صقري، ۱۳۹۰، ص ۹۶). با این حال این ایرادات حصری نیستند و مواردی مانند مقررات

مربوط به تعداد شرکا، شرایط تشکیل مجامع عمومی فوق العاده و همچنین قواعد مربوط به برگزاری جلسات هیئت مدیره و شرایط اتخاذ تصمیم آن‌ها به عنوان ایراد قابل ذکر است (اسکینی، ۱۳۸۳، ص ۴۴). در خصوص بطلان مزبور به عقیده نویسندگان به معنی بطلان مطلق نبوده، بلکه به معنی قابلیت ابطال است (پاسبان، ۱۳۸۳، ص ۳۶۳؛ طالب احمدی، ۱۳۸۴، ص ۱۴۹). پذیرش این نظریه نیز منطبق با موازین حقوق تجارت است. زیرا اعمال ضمانت اجرای بطلان به شکل حقوق مدنی آن که دارای اثر قهقرایی است با اصل اعتماد و اطمینان به عنوان مبانی حقوق تجارت در سازگاری نیست. از سوی دیگر گفته می‌شود که مبانی ایجاد و انتقال حق در حقوق مدنی متفاوت از حقوق تجارت است. در حقوق مدنی مبنا قصد واقعی طرفین است و در صورت نبود این عامل عمل حقوقی انجام شده حتی در صورت ضرر به اشخاص ثالث بایستی باطل اعلام گردد (مسعودی تفرشی، ۱۳۸۷، ص ۲۸). اما در حقوق تجارت به علت آنکه روند معاملات تجاری نوعاً با حسن نیت انجام می‌شود امکان احراز قصد واقعی افراد وجود ندارد و صرفاً یک ظاهر حقوقی معتبر برای انجام معاملات کفایت می‌کند. عدم وجود تقارن بین وضع ظاهری و واقعیت حقوق موجب اضرار به اشخاص ثالث می‌شود امری که ناامنی تجاری را با خود به همراه دارد (صقری، ۱۳۹۰، ص ۹۰). قاعده اخیر به طور تفصیلی در بحث اعتبار صحت ظاهری در حقوق تجارت مورد مطالعه قرار می‌گیرد. البته این نظریه ظاهر محدود به حقوق تجارت نیست.

در حقوق فرانسه در ماده L.235-13 قانون تجارت این گونه آمده است: «نه شرکت و نه شرکا نمی‌توانند از بطلان شرکت در مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت استفاده کنند. با این حال اگر بطلان به علت عدم اهلیت و یا عیب در رضا بوده، نسبت به این اشخاص قابل استناد است».^۵ البته منظور از عدم اهلیت در این ماده، اهلیت شرکت نیست بلکه مربوط به شرکاست چنانچه در ماده L.235-1 می‌گوید عدم اهلیت در شرکت‌های با مسئولیت محدود و سهامی تنها در صورتی موجب بطلان می‌شود که به همه مؤسسان شرکت برسد.^۶

ماده ۱۱۸ لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت در این مورد این چنین مقرر می‌کند: «جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آن در صلاحیت خاص مجامع عمومی است، مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت هستند، مشروط بر آن که تصمیمات و اقدامات آن را در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است». محدود کردن اختیارات مدیران تنها در رابطه آن‌ها و شرکت معتبر است و اگر هیئت

مدیره از اختیاراتش تجاوز کند، عمل حقوقی مربوط صحیح است، ولی به علت تخلف در برابر شرکت مسئول خواهند بود.

به موجب ماده ۱۱۸ لایحه اصلاحی، شرط دوم اعتبار اقدامات هیئت مدیره، عدم خروج آن‌ها از حدود موضوع شرکت است. برخی نویسندگان از این چنین برداشت کرده‌اند که اعمال مدیران خارج از موضوع شرکت باطل است و شرکت می‌تواند در برابر اشخاص ثالث به این بطلان استناد کند (عیسائی تفرشی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۱). با این حال اگرچه بطلان اعمال خارج از موضوع شرکت و قابلیت استناد آن در برابر اشخاص ثالث با ظاهر ماده ۱۱۸ لایحه سازگار است، ولی به نظر می‌رسد مورد مشمول ذیل ماده ۲۷۰ لایحه قانونی است، زیرا به حکم این ماده، چنانچه مقررات قانونی از سوی هر یک از ارکان شرکت رعایت نشود و تصمیمی یا عملی برخلاف مقررات قانونی انجام شود، گرچه به حکم دادگاه، آن تصمیم باطل می‌شود، ولی این بطلان در برابر اشخاص ثالث قابل استناد نیست.

در مورد شرکت‌های با مسئولیت محدود و تضامنی مقررۀ عامی همچون ماده ۲۷۰ لایحه اصلاحی وجود ندارد. افرادی که با این شرکت‌ها وارد معامله می‌شوند با ریسک ایرادات سازمانی مواجه هستند و قانون حمایتی از حسن نیت آن‌ها صورت نمی‌گیرد.

۳. حمایت از انتقال‌گیرنده با حسن نیت در حقوق ثبت املاک

اهمیت اقتصادی و اجتماعی املاک بر هیچ کسی پنهان نیست. تمایل زیاد مردم به این نوع از اموال ایجاب می‌کند که در حوزه نظم حقوقی خاصی حاکم باشد. خریدار قبل از انعقاد معامله بتواند از مالکیت و سلطه تام فروشنده نسبت به مورد معامله اطمینان داشته باشد. او باید یقین داشته باشد که بعد از معامله، ملک از هر نوع حق عینی که ممکن است از طرف اشخاص ثالث ادعا شود، مصون و محفوظ بماند. از همین رو یکی از اهداف حقوق ثبت حمایت از انتقال‌گیرنده در برابر این ادعاهاست. نظام ثبت می‌تواند وضعیت حقوقی سند مالکیت را طوری مشخص کند که امنیت و ثبات معاملات را در این حوزه برقرار کند (Théry, 1998, p.424). از همین رو دکتترین حقوق در صدد این بوده است که با فرض صحت اطلاعات ثبت شده در دفاتر ثبتی از مالک و اشخاص ثالث اعتمادکننده، حمایت به عمل آورد. به بیان دیگر نظام ثبتی به دنبال ایجاد ثبات معاملات و جلوگیری از تزلزل نظم حقوقی تدوین یافته است (Starck, 2000, p.58) و این ثبات تا جایی است که به سند ثبت املاک وصف تجریدی می‌دهد. بر این اساس فردی که مالی را با ثبت رسمی به خود انتقال داده با افشای بعدی معامله ثبت نشده غافلگیر نمی‌شود. این همه به عنوان قاعده‌ای بنیادین در حوزه نقش حمایتی نهاد ثبت مطرح می‌شود که به موجب آن

«حقوق ثبت نشده در برابر کسانی که دارای حقوق مشابه ثبت شده هستند، فاقد اعتبار فرض می‌گردد». در واقع در تعارض بین یک ظاهر ثبت شده و حقیقت حقوقی ایجاد شده ظاهر ثبت شده اعتبار دارد (Simler, 2009, p.240). همان‌گونه که اشاره شد، حقوق فرانسه معیار تصرف را در ماده ۲۷۶۹م پذیرفته است. اما در حوزه اموال غیرمنقول ابزار دقیق‌تری باید به کار گرفته شود تا افراد از سابقه مالکیت آن مطمئن شوند.

در حقوق ایران با تصویب ماده ۲۲ قانون ثبت که مقرر می‌دارد: «همین که ملکی مطابق قانون در دفتر املاک به ثبت رسید دولت فقط کسی را که ملک به اسم او ثبت شده و یا کسی را که ملک مزبور به او منتقل گردیده و این انتقال نیز دفتر املاک به ثبت رسیده یا اینکه ملک مزبور از مالک رسمی ارثاً به او رسیده باشد مالک خواهد شناخت...». قانون‌گذار در صدد حمایتی کامل از حقوق دارندگان سند رسمی مطابق با رسالت حقوق ثبت داشته است. اما قضات و رویه قضایی بدون توجه به مبانی حقوق ثبت، این مقررات را همسو با مقررات حقوق مدنی تفسیر کرده‌اند به طوری که امنیت مالکیت و حقوق اشخاص ثالثی که به سند رسمی اعتماد کرده‌اند، نادیده می‌گیرد. در واقع محاکم به راحتی می‌توانند به استناد سند عادی حقوق را مقدم بر حق اشخاص ثالث که دارای سند رسمی هستند، اثبات کنند و حتی بر پایه آن سند رسمی را باطل کنند. ثبت رسمی سند در وضعیت فعلی هیچ تضمینی را به دارنده با حسن نیت در خصوص ادعاهایی که مرجع آن وراثت رسمی است نمی‌دهد (میرزانژاد جویباری، ۱۳۹۱ ص ۹۶) و به راحتی می‌توان به نفع اسناد عادی مقدم حقوق اشخاص ثالث را باطل کرد.

مواد ۲۲ و ۴۸ قانون ثبت فوق نشان می‌دهد که قانون‌گذار در صدد اعمال اصول بنیادین حقوق ثبت بوده است و ثبت را همانند پرده‌ای می‌دانسته که در جلوی عیوب حق مالکیت قرار می‌گیرد. در واقع با ثبت مالکیت به فرد، از دیگران سلب مالکیت می‌شود و هیچ دعوی در این خصوص مسموع نبود در حقیقت مصالح جامعه و روشن شدن وضعیت مالکیت غیر منقول ایجاب می‌کرد که این‌گونه حمایتی از دارندگان این حقوق صورت بگیرد. در تفسیر مقررات ثبتی نیز باید اصول این حوزه مورد نظر قرار بگیرد. تنها از این راه می‌توان اطمینان و امنیت خاطر را در حوزه املاک تأمین کرد. دقت در قانون ثبت مؤید آن است که اصولی مانند قطعیت مالکیت و تجریدی بودن اسناد از معاملات منشاء مورد نظر قانون‌گذار بوده است. اما رویه قضایی بی توجه به اصول و مبانی فکری نظام ثبت صرفاً با نگرشی مدنی و مبتنی بر اصول این حوزه اقدام به حل مسائل کرده است. که نه تنها باعث برهم خوردن نظم معاملاتی در حوزه املاک شده است بلکه به اعتبار اسناد رسمی نیز لطمه وارد کرده است.

۴. حمایت از انتقال گیرنده در حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری در معنای عام خود عبارت است از حقوق قانونی منتج از فعالیت ذهنی و فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری. حقوق مالکیت فکری به دو بخش مالکیت صنعتی و حق انحصاری اثر تقسیم می‌شود. به دو دلیل اصلی قوانینی را جهت حمایت از مالکیت فکری وضع می‌کنند. اول بیان قانونی حقوق معنوی و اقتصادی افراد خلاق در ارتباط با آنچه که خلق می‌کنند و حقوق عموم برای دسترسی به دستاورد این افراد. دوم توسعه و ترویج خلاقیت‌ها و گسترش و کاربردی کردن نتایج آن‌ها و نیز تشویق تجارت منصفانه که در رشد اقتصادی و اجتماعی مؤثر خواهد بود. تجاوز به آثار دارای مسئولیت مطلق برای مرتکب بوده بدون اینکه با چه انگیزه و هدفی آن را انجام داده است، لذا دادگاه‌ها حمایتی را که از خریدار با حسن نیت بعمل می‌آید در این خصوص به موقع اجرا نمی‌گذارند. در بند الف ماده ۱۵ قانون ثبت اختراعات در باب حقوق ناشی از گواهینامه اختراع آمده است که بهره‌برداری اشخاصی غیر از مالک باید با موافقت مالک باشد و در بند ب می‌گوید: «مالک می‌تواند با رعایت بند (ج) این ماده و ماده (۱۷) علیه هر شخص که بدن اجازه او بهره‌برداری‌های مندرج در بند الف را انجام دهد و به مخترع تعدی کند و یا عملی انجام دهد که ممکن است منجر به تعدی به حق مخترع شود، به دادگاه شکایت کند». ظاهر این بند گویا است که قانون‌گذار با الهام از مقررات معامله فضولی صاحبان حق اختراع را مجاز در طرح دعوا علیه همه اشخاصی دانسته که بدون اجازه او در حال بهره‌برداری از اختراع او هستند. اما قانون‌گذار در مورد حسن نیت نیز استثنایی گذاشته است. در بند ج ماده ۱۵ آمده است: «در صورتی بهره‌برداری توسط هر شخصی که با حسن نیت قبل از تقاضای ثبت اختراع یا در مواقعی که حق تقدم تقاضا شده است، قبل از تاریخ تقاضای حق تقدم همان اختراع، از اختراع استفاده می‌کرده یا اقدامات جدی و مؤثری جهت آماده شدن برای استفاده از آن در ایران به عمل می‌آورده است». در نگاه اول از این بند این‌گونه برداشت می‌شود که حسن نیت استفاده کننده بعد از تقاضای ثبت و یا ادعای حق تقدم هیچ تأثیری در حقوق صاحب حق اختراع ندارد، صاحب حق اختراع می‌تواند علیه این فرد هم اقامه دعوا کند. اما این تفسیر بدون شک کاربرد این بند را لغو می‌کند، زیرا قبل از تاریخ تقاضا صاحب حق اختراع علی‌الاصول حق جلوگیری از بهره‌برداری دیگران را ندارد. تنها زمانی این ماده فایده دارد که شخص با حسن نیت بتواند بعد از ثبت نیز به استفاده خود ادامه دهد. این راه‌حلی است که در حقوق فرانسه نیز پذیرفته شده است. در ماده 3-613L قانون مالکیت فکری هرگونه استفاده و بهره‌برداری بدون موافقت صاحب اثر را به طور مطلق ممنوع کرده است.^۷ اما حسن نیت

بهره‌بردار را در زمان ارائه تقاضانامه یا حق تقدم به رسمیت شناخته است^۸، در آخر ماده اخیر تأکید شده است که حتی با وجود گواهی‌نامه ثبت این استفاده مشروط بر اینکه شخصی باشد مجاز است. به نظر می‌رسد این تفسیر از ماده منطقی‌تر است البته باید بهره‌برداری شخص با حسن نیت مشروط به استفاده شخصی کرد والا فایده گواهی‌نامه اختراع از بین می‌رود. دقت در این مواد نشان می‌دهد که قانون‌گذار با عنایت به مبانی حقوق مالکیت فکری سعی در حمایت از انتقال‌گیرنده با حسن نیت داشته است. اهداف و رسالت حقوق مالکیت فکری لازم می‌دارد که صاحب گواهی‌نامه حق اختراع بدون توجه به حسن نیت و سوء نیت بهره‌بردار غیرمجاز جلوی فعالیت او را بگیرد و حمایت از حسن نیت بهره‌بردار تنها محدود به جایی شود که اقدامی برای ثبت اختراع صورت نگرفته باشد.

نتیجه‌گیری

به عقیده محققان حمایت از حسن نیت، حمایت از اعتماد عمومی است. در واقع بر خلاف دیدگاه اخلاقی، دلیل حمایت از فرد با حسن نیت به دفع سوء نیت باز نیست، بلکه مصالح عمومی اقتضا آن را می‌کند. از همین نکته برمی‌آید که اجرای حسن نیت باید در راستای مصالح عالی باشد و نمی‌توان آن را به صورت مجرد و انتزاعی به اجرا گذاشت. مطالعه این مسئله در شاخه‌های مختلف حقوق خصوصی نشان داد که در هر شاخه بسته به اصول و رسالت‌های حاکم بر آن حوزه حمایت از اشخاص با حسن نیت متفاوت است. این مسئله تا به آنجاست که در برخی حوزه‌ها حمایت باید به طور کامل صورت گیرد تا اعتماد بالا برود برای مثال در حوزه حقوق تجارت که اصل سرعت و اعتماد بر آن حاکم است افراد عموماً بدون تحقیق و بررسی زیاد اقدام به معامله می‌کنند، از همین رو حمایت از متعاملین با حسن نیت به طور کامل صورت می‌گیرد. اما در حوزه ثبت املاک و یا مالکیت فکری این به حداقل کاهش یابد. زیرا اعتبار اسناد در حوزه املاک و تأثیری که این مسئله بر اقتصاد و امنیت معاملات دارد مستلزم آن است که صاحبان اسناد رسمی این اطمینان را داشته باشند که حقوق شان در همه شرایط حتی در مقابل افراد ناآگاه و با حسن نیت نیز مورد محافظت قرار می‌گیرد و همین‌طور حوزه حقوق مالکیت فکری که با عنایت به تأثیر حمایت از نوآوری‌ها و ابداعات در رشد و پیشرفت اقتصادی است حمایت از انتقال‌گیرنده با حسن نیت را تا جای ممکن کاهش داده اند.

ضرورت حمایت از فرد دارای حسن نیت تا حدود در قوانین ما مانده لایحه اصلاحی قانون تجارت مربوط به شرکت‌های سهامی و یا حق ثبت اختراعات و مالکیت صنعتی انعکاس یافته است. اگرچه بی‌اعتنایی به این مهم در حقوق مدنی روشن است که نه در بحث ضمان و نه در

مسئله تصرف حمایتی از انتقال گیرنده با حسن نیت صورت نداده است. قانون‌گذار ایران می‌تواند با رجوعی دوباره در منابع فقهی و تدقیق بیشتر در آن در جهت حمایت از حسن نیت انتقال گیرنده گام بردارد.

یادداشت‌ها

۱. «من حسنت نبته امده التوفیق»: هر کس نیتش خوب باشد، توفیق یاری‌اش خواهد نمود: نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴.
2. Art. 1379. Code Civil; si la chose indument reçue est un immeuble ou un meuble corporel, celui qui l'a reçue est obligé à la restituer en nature, si elle existe, ou sa valeur, si elle est perdue ou détériorée par sa faute; il est même garant de sa perte par cas fortuit; s'il a reçu de mauvaise foi.
3. Art. 549. Code Civil; le simple possesseur ne fait les fruits siens que dans le cas où il possède de bonne foi. Dans le cas contraire, il est tenu de restituer les produit...
4. L'art 1599 edicte une nullité relative en faveur de l'acheteur qui a seul qualité pour l'invoque: Civ3; 16 Avr 1987 Bull civ: cité par code civil ; 1991-1992
5. L. 235-13: Ni la société ni les associés ne peuvent se prévaloir d'une nullité à l'égard des tiers de bonne foi. Cependant, la nullité résultant de l'incapacité ou d'un vice du consentement est opposable même aux tiers,
6. En ce qui concerne les sociétés à responsabilité limitée et les sociétés par actions, la nullité de la société ne peut résulter ni d'un vice de consentement ni de l'incapacité, à moins que celle-ci n'atteigne tous les associés fondateurs.
7. Sont interdites, à défaut de consentement du propriétaire du brevet: a) La fabrication, l'offre, la mise dans le commerce, l'utilisation, l'importation, l'exportation, le transbordement, ou la détention aux fins précitées du produit objet du brevet....
8. Article L613-7: "Toute personne qui, de bonne foi, à la date de dépôt ou de priorité d'un brevet, était, sur le territoire où le présent livre est applicable en possession de l'invention objet du brevet, a le droit, à titre personnel, d'exploiter l'invention malgré l'existence du brevet.

کتابنامه

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۴.
۲. ابراهیمی، یحیی (۱۳۸۸)، «مطالعه تطبیقی مفهوم و آثار حسن نیت در انعقاد، تفسیر و اجرای قرارداد»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۱،
۳. اسکینی، ربیعا (۱۳۸۳)، حقوق تجارت (کلیات، معاملات تجاری، تجار و ساماندهی فعالیت‌های تجاری)، تهران: انتشارات سمت،
۴. امیری قائم مقامی، عبدالمجید (۱۳۷۸)، حقوق تعهدات (کلیات حقوق تعهدات - وقایع حقوقی)، تهران: نشر میزان،
۵. پاسبان، محمدرضا (۱۳۸۹)، «اهلیت شرکت‌های تجاری و حدود اختیارات مدیران شرکت‌های تجاری»، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۵۱.
۶. حاجی‌پور، مرتضی (۱۳۸۸)، بررسی تطبیقی اصل حسن نیت در حقوق قرارداد، رساله دکتری،

- دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۷. صقری، محمد (۱۳۹۰)، *حقوق بازرگانی شرکت ها، تاسیس، تبدیل، ادغام، انحلال*، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۸. طالب احمدی، حبیب (۱۳۸۴)، «معاملات قابل ابطال در حقوق ایران»، فصلنامه مدرس علوم انسانی، دوره ۹، شماره ۳.
۹. عیسائی تفرشی، محمد (۱۳۸۶)، *مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت های تجاری*، شرکت های سهامی عام و خاص، تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۰)، *الزام های خارج از قرارداد*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. کاتوزیان، ناصر و عباسزاده، محمدهادی (۱۳۹۲)، «حسن نیت در حقوق ایران»، فصلنامه حقوق، دوره ۴۳، شماره ۳.
۱۲. کاویانی، کوروش (۱۳۷۷)، *اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل دارنده با حسن نیت سند تجاری*، رساله دکتری، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. مسعودی تفرشی، بابک (۱۳۸۷)، «انتقال ظاهری حق، مبنای حمایت از حقوق طرف های ثالث در رژیم تجاری ایران»، *مجله کانون وکلا*، شماره ۳۳.
۱۴. میرزاناژاد جویباری، اکبر (۱۳۹۱)، *ضمانت اجرای بیع با سند عادی؟ (بسی اعتنایی به قانون ثبت، غفلت یا تغافل)*، مندرج در *نقد رویه قضایی*، زیر نظر ناصر کاتوزیان، تهران: انتشارات جنگل.

15. Bachner, Thomas (2009), *Creditor protection in Private Companies*, New York, Cambridge University Press.
16. Colin, Ambrois et Capitant, Henri (1959), *Traité de droit civil*; T2, Paris: Dalloz.
17. Le Tourneau, Philippe (1995) *Encyclopédie*, Paris: Dalloz,
18. Lyon-Caen G. (1946) "De L'évolution de la notion de bonne foi", Paris: *RTD civ*,
19. Ray, J. (1926), *Index du code civil*, thèse complémentaire pour le Doctorat ès lettres, Paris: Alcan,
20. Simler, Philippe et Philippe Delebecque, *Droit Civil (Les Sûretés, La Publicité Foncière)* (2009), 5 édition, Paris: Dalloz,
21. Starck, B. et H.Roland, L. Boyer (2000), *Introduction au droit*, 5 édition, Paris, Litec, Libraire de la Cassation.
22. Terré. F et Simler. Ph (2002), *Droit Civil, Les biens*, Paris: précis Dalloz.
23. Théry, Philippe (1998), *Droit Civil (Sûretés Publicité Foncière)*, 1 édition, Paris: Universitaires de France,
24. Vanel Marguerite (1984), *Bonne foi, in: encyclopédie juridique, répertoire de droit civil*, Paris: Dalloz.